فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۴۲۱-۳۹۹
New Period 4, No 32, 2021, P 399-421
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی معنا و مفهوم واژه تقوا در کنار بیان ثمرات و مراتب اکتسابی آن در پرتو آیات قرآن کریم

عبدالله حسینی اسکندیان[۱]. معصومه رجب نژادیان[۲]
۱. دانشجو کارشناسی ارشد کلام اسلامی دانشگاه تبریز، ایران
hosseinieskandianabdullah@gmail.com
۲. دانشجو کارشناسی الهیات دانشگاه فرهنگیان، ایران
mrajabnezhadian@gmail.com

چکیده

همواره در اعصار مختلف شاهد آن بوده ایم که برخی افراد، اموری مادی را سبب فضیلت و موجب امتیاز خود بر دیگران دانسته و بدان احتجاج کرده‌اند. همواره اموری مانند ثروت، مقام، جایگاه، شأن اجتماعی و. بهانه هایی برای مهتر دانستن خود بر دیگران از سوی برخی کوته فکران بوده است در حالی که خداوند تنها مایه فضیلت آدمیان بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی کرده است. تقوا در واقع لازمه‌ی رسیدن به سعادت حقیقی و آرام یافتن در جوار معبود است و آن بدین معنی است که نفس و وجود خود را به اعمال صالح زینت داده و از انجام اوامر الهی سرباز نزنیم و از سوی دیگر از انجام امور حرام اجتناب نمائیم. ضرورت تقوا پیشه ساختن، نه تنها می‌تواند آدمی را در یوم الموعود در جوار معبود سرفراز گرداند بلکه می‌تواند موجب آبادی زندگی دنیوی و ایجاد زندگی سراسر شادی و نشاط در پرتو رهنمودهای خداوند متعال باشد. از این رو پرداختن به این مبحث و بیان آثار، ثمرات و ماهیت تقوا می‌تواند اثری نیک در آشنایی با این اصل مهم باشد.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است تا ابتدا به بررسی واژه تقوا و معنا و مفهوم آن و در ادامه به بررسی معنا، مفهوم و ماهیت تقوا در قرآن کریم، آثار تقوا و مراتب و درجات آن با توجه به آیات قرآن کریم بپردازد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

تقوا در واقع لازمه ی زیستن در جهانی است که اکنون با خطر بی دینی و بی اعتقادی نسبت به مبدأ جهان هستی مواجه است و بیش از هر زمان دیگری نیازمند روآوردن به خداوند متعال و انجام اوامر او و دوری از محرمات و چارچوب‌هایی است که او مشخص کرده است و تقوا نیز همین معنا را افاده می‌کند و موجب سعادت حقیقی آدمی می‌شود. تقوا در واقع مسیر نجات آدمی در این دنیا است که ثمره آن در آخرت نیز مشهود خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: قرآن، تقوا، معنا، مراتب، ثمرات، سعادت

مقدمه

آدمی اشرف مخلوقات عالم است و عاملی که سبب برتری برخی از آدمیان بر برخی دیگر می‌شود، اصل تقوا می‌باشد. خداوند متعال عامل اصلی ارجمندی و کرامت آدمیان را در نزد خود، تقوا معرفی کرده و آدمیان را سفارش به رعایت این اصل مهم کرده است. تقوا در واقع آن است که از آنچه خداوند ناشایست معرفی کرده است، دوری کنیم و معنای پرهیزکاری و اجتناب از عمل ناپسند که در ذیل معانی تقوا بیان می‌شود به همین معناست. تقوا در واقع اصلی اساسی در رسیدن آدمی به سعادت می‌باشد. البته منظور، سعادت به طور مطلق است، نه سعادتی که آدمی در این دنیا داشته باشد و در روز آخرت مقهور عذاب الهی باشد یا سعادتی که آدمی صرفا در آخرت به آن نائل آید و از زندگی خود در دنیا و نعمات بسیاری که خداوند به او ارزانی داشته است بهره نبرد. بنابراین سعادت حقیقی آن است که هم در دنیا و هم در آخرت از نعمت‌های خداوند بهره ببریم و سعادت آخرت را که در گرو زندگی خدامحورانه این دنیا می‌باشد را با تقوا به دست آوریم؛ چرا که تقوا موجب آبادی هر دو جهان؛ هم دنیا و هم آخرت می‌شود.

در عصر کنونی تنها عاملی که می تواند سبب نجات بشر از مرداب های پوچ گرایی، بن بست‌های روحی، سرشکستگی های اجتماعی و سایر معضلات شود، روی آوردن به خداوند به عنوان خالق گیتی و آفریننده انسان است. تنها عاملی که می‌تواند آدمی را از این گرداب‌ها و یأس و ناامیدی نجات دهد و افق های روشن را تبیین نماید و به زندگی شور و نشاط دوباره ببخشد، پیروی از فرامین الهی است. خداوند آدمی را سفارش به انجام اموری خاص تحت عنوان امور حلال و از سوی دیگر سفارش به اجتناب از برخی موارد و اعمال تحت عنوان حرام کرده است و تقوا به معنای عمل کردن به این دو اصل می باشد. خداوند که خالق انسان است از خیر او آگاه است و عمل به این دو اصل می‌تواند سبب ایجاد زندگی الهی برای انسان شود که در پرتو آن نه تنها آدمی در زندگی دنیوی خود به نشاط و شادکامی دست می‌یابد و روحی تازه را برای ادامه زندگی به دست می‌آورد؛ بلکه سبب رضایت مندی خداوند می گردد که سبب سعادت اخروی نیز خواهد شد. از این رو ضرورت پرداختن به اصل تقوا با توجه به مقتضیات عصر کنونی و سرگشتگی انسان مدرنیته امری لازم است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

اگر چه در مقاله ای تحت عنوان"آثار و توصیف تقوا از منظر قرآن و روایات، نوشته ی عبدالقیوم سادیر، انتشار یافته در دو فصلنامه دانش پژوهی تأمل" به بررسی تقوا و ارزش و آثار آن در قرآن کریم توجه شده است اما اولا از لحاظ واژه شناسی و بیان معنا و مفهوم کلمه تقوا در قرآن کریم مطلبی بیان نگشته است؛ ثانیا در بیان ثمرات تقوا صرفا به برخی از ثمرات آن در پرتو آیات قرآن کریم توجه شده و تحقیق جامعی در این باره انجام نگرفته است و ثالثا بیان مراتب تقوا بر اساس آیات قرآن کریم ذکر نگشته است و این امر در تضاد با عنوان مقاله است و نوعی مرتبه بندی دیگری از تقوا ذکر گشته است. همچنین در مقاله ای تحت عنوان "آثار دنیوی تقوا، نوشته معصومه مصباح، انتشاریافته در دوفصلنامه تخصصی مطالعات دین پژوهی" اگر چه به بررسی آثار تقوا پرداخته شده و بحث مفهوم شناسی نیز ذکر گشته است اما اولا همانند اثر نخست بحث واژه شناسی و ریشه یابی این کلمه و از سوی دیگر معنایابی آن در پرتو آیات قرآن کریم ذکر نگشته است ثانیا صرفا به آثار و ثمرات دنیوی تقوا توجه شده است و از ذکر آثار و ثمرات اخروی آن که به مراتب بالاتر از ثمرات دنیوی آن می باشد، غفلت شده است. ثالثا مراتب تقوا با رویکرد قرآنی ذکر نگشته و نوعی مرتبه بندی دیگر از آن ذکر گشته است در صورتی که لاز م است این نوع مرتبه بندی در پرتو آیات قرآن کریم و موافق با آن باشد و رابعا جایگاه تقوا در قرآن در این پژوهش مورد غفلت واقع شده است در صورتی که لازم بود مبحثی تحت عنوان"تقوا در قرآن کریم"به طور کامل مورد بحث قرار گیرد.

در این پژوهش تلاش بر این است که ابتدا از لحاظ نحوی به بررسی ریشه و بیان مشتقات این کلمه و مصادر آن توجه شود و در وهله بعد به بیان معنا و مفهوم آن از سوی صاحب نظران قرآنی پرداخته شود و همچنین معنا و مفهوم تقوا در قرآن کریم نیز ذکرگردد. همچنین در ادامه به بررسی ثمرات و مراتب تقوا با توجه به آیات قرآن کریم پرداخته شود و تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود؛

کلمه تقوا از چه ریشه و مصدری می‌باشد؟ ریشه‌ها و مصادر کلمه تقوا دارای چه معانی می باشند؟ کلمه تقوا به چه معناست؟ تقوا در اصطلاح چیست؟ توصیف قرآن کریم از تقوا چگونه است؟ ارزش و اهمیت تقوا از دیدگاه قرآن کریم چیست؟ باتقوا چه کسی است؟ تقوا چه ثمراتی در حیات دنیوی و اخروی انسان دارد؟تقوا دارای چه مراتبی است؟ در هر یک از مراتب تقوا، افراد متقی باید به چه اوصافی مزین شوند؟

بررسی ریشه واژگانی کلمه تقوا

لغویان در مورد کلمه تقوا به لحاظ ظاهر لفظ، نظرات مختلفی بیان کرده اند. برخی مانند ازهری با قطعیت کلمه"تقی" را از "وقی، یقی" می‌دانند، از این رو بیان می کنند که "تاء" در این کلمه آن چنان جای گرفته و به جای فاءالفعل درآمده که دیگر صحبتی از"وتو" در بین نیست، پس کلمه"وقی" و دیگر مشتقات آن را در تهذیب اللغه در ردیف"تقی" ذکر کرده است. ابن درید کلمه"تقی" را از "قاء، یقیء، قیئا"مشتق

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

می‌داند و آن را در ردیف"قاء"آورده و به نظر می رسد که کلمات"وقاء" و "نقواء" را از یک منبع معرفی کرده است (انجوی نژاد، ۱۴۳، ۱۳۷۵).

تقوی اسم و از"اتقاء" که در اصل"وقیئا" بوده گرفته شده است. "واو" آن قلب به "تاء" شده و "یاء" آن قلب به"واو" شده است تا بین اسم و صفت آن فرق گذاشته نشود (ابن منظور، ۱۳۶۹، ج۱۵، ۲-۴).

تقوا که در عربی به شکل"تقوی" نوشته می‌شود از ریشه ی"وقی" بوده و به اصطلاح لفیف مفروقی است که فاءالفعل آن"واو" و لام الفعلش"یاء" است. از این رو اصل آن"وقیئ" بوده است که دو تغییر در آن صورت گرفته است؛ یکی قیاسی و دیگری سماعی. تبدیل قیاسی آن تبدیل حرف"یاء" به"واو" است و تغییر سماعی آن تبدیل حرف"واو" به"تاء" است (کمال الدین، ۱۴۲۳ق، ۴۴۰).

برخی بر این باورند که اصل کلمه تقوی، "وقوی" بر وزن فعلی است چون مفتوح بوده و "واو" آن قلب به "تاء" شده است (زبیدی و فیروزآبادی، ۱۴۱۴ق، ج۱۱۳، ۱۰).

در مورد نحوه اشتقاق کلمه تقوا اختلاف نظر وجود دارد؛ ازهری می گوید که"تقی" در اصل"وقوی" بر وزن فعول بوده، "واو" اول آن قلب به "تاء" شده و "واو" دوم آن قلب به "یاء" و در"یاء"ادغام شده است و ابن انباری می گوید:"تقی" در اصل"وقی" بر وزن فعیل بوده و از این رو جمع"تقی"، "اتقیاء" است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج۳۷۴، ۹).

در ترجمه های فارسی کلمه تقوا اگر به صورت فعل استعمال شود، به ویژه اگر فعل امر باشد و متعلقش ذکر شود، به معنای خوف و ترس ترجمه می‌شود و در ترجمه"اتقوا الله" یا"اتقوا النار" گفته می‌شود: "از خدا بترسید" یا "از آتش بترسید" به این دلیل که دیده شده لازمه ی صیانت خود از چیزی، با ترس از آن امور ملازم است اما دلیلی وجود ندارد که بگوییم معنای "اتقوا الله" این است که "از خدا بترسید"بلکه معنای این جمله این است که"خود را از کیفر الهی محفوظ بدارید" (مطهری، ۱۳۷۶، ج۶۸۹، ۳).

کلمه"تقوی" در زبان فارسی به صورت"تقوا" نگاشته می‌شود. تقوی از ریشه "وقی" بوده که مصدر آن "وقایۀ" می‌باشد. وقایۀ در اصل به معنای نگهدارنده است و اصل کلمه تقوا با رعایت معنای اصلی آن که پرهیزکاری و اجتناب از ارتکاب گناه است از همین مصدر و از همین ریشه ی واژگانی می‌باشد.

معنا و مفهوم تقوا

تقوا از ماده"وقی"به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. معنای"اتقاء"، احتفاظ می‌باشد و "وقایۀ" عبارت است از محافظت از یک چیز، از هرچه به او زیان می‌رساند و تقوا یعنی نفس را در و قایۀ قرار دادن از آنچه بیم می‌رود (مطهری، ۱۳۷۷، ۳-۴) گاهی تقوا به معنای خوف بیان می‌شود؛ زیرا خوف مقدمه ی تقوا است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۸۱).

در فرهنگ معین تقوا به معنای پرهیزکاری، ترس و اطاعت از خداوند بیان شده است (معین، ۱۳۶۰، ج۱۲۲، ۱).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

در الهیات اسلامی تقوا به معنای حفظ خویش از مطلق محظورات اعم از محرمات و مکروات است(دائره المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج۴۴۶، ۸).

در کتاب های لغت معانی مانند خوف، تواضع، ترس، پرهیزکاری، اجتناب، خودنگهداری و خویشتن داری برای تقوا بیان شده است اما آنچه بیش از هر معنی دیگر در هنگام استعمال این کلمه به ذهن نزدیک است معنی پرهیزکاری و نگهداری نفس از گناه است.

ایزوتسو می‌گوید: ابتدایی ترین معنای کلمه تقوا به کاربرد آن در میان عرب پیش از اسلام برمی‌گردد؛ فعل"اتقی" در زبان آنان لزوما معنای دینی و اخلاقی نداشته و در زمینه‌ای عرفی به این معنا بوده که شخص میان خود و چیزی که از آن می ترسد، حایل و مانعی مادی قرار دهد تا از گزند آن حفظ شود (ایزوتسو، ۳۰۵، ۱۳۶۱).

شهید مطهری می‌گوید: تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه دین در زندگی معین کرده و خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود (مطهری، ۷، ۱۳۷۷).

در اصطلاح شرع، تقوا عبارت است از حفظ نفس از گناه و آنچه که شایسته نیست انجام شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۸۱).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: تقوا این است که خداوند تو را در جایی که فرمان داده غایب نبیند و در آنجا که تو را نهی کرده است، حاضر نیابد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲۸۷، ۶۷).

برخی تقوا را به حالت کسی شبیه کرده‌اند که از یک سرزمین پر از خار عبور می‌کند و سعی دارد دامن خود را کاملا برچیند و بااحتیاط گام بردارد مبادا نوک خاری در پایش بنشیند یا دامنش را بگیرد (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱، ج۱۰۱، ۱).

قرشی می‌گوید: تقوا آن است که پیوسته به یاد خدا و شگرگزار او باشیم و از اومر و نواهی اش اطاعت کنیم (قرشی، ۱۳۷۰، ج ۱۵۰، ۲).

تقوا در اصطلاح شرع یعنی نگهداری نفس از چیزی که موجب گناه شده و گرفتار خشم و غضب الهی می‌شود و برای دست یابی به تقوا و رهایی از غضب الهی باید از منهیات پرهیز کرده و به واجبات عمل شود (رضایی، ۳۲، ۱۳۸۷).

تقوا از نظر درجه بر دو نوع است؛ تقوای ضعیف و تقوای قوی. در تقوای ضعیف، فرد برای اینکه خودش را از آلودگی‌های گناه حفظ کند از علت‌های گناه فرار کرده و خودش را همیشه از مکان معصیت دور نگه می‌دارد اما در تقوای قوی، فرد در روح خود قوتی به وجود می آورد که به او این قدرت را می‌دهد که مصونیت روحی و اخلاقی داشته باشد، مصونیتی که اگر در مکانی قرار گرفت که علت گناه فراهم بود، آن حالت روحی او را حفظ کرده و مانع از آلودگی و گناه شود (مطهری، ۸، ۱۳۷۷).

طوسی در تعریف تقوا می‌گوید: تقوا پرهیز و بیم از خشم خداوند است و حقیقت تقوا مرکب از سه چیز است؛ خوف، دوری از معاصی و طلب قربت (طوسی، ۹۱، ۱۳۶۱).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

تقوا در واقع نوعی تمرین بندگی است که با آن از اوامر الهی اطاعت کرده و از منهیات و آنچه که ارتباط با معبود را سست می کند، دوری کنیم. در واقع تقوا با توجه به معنای حقیقی آن، نوعی نگهداری و اجتناب از گناه است و از سوی دیگر عمل به واجبات الهی و همچنین در این باره با معنای دیگر آن یعنی خوف ارتباط می یابد؛ بدین صورت که بنده بیم و ترس دوری از معبود را دارد و به همین دلیل از گناهان و محرمات دوری کرده و از سوی دیگر با انجام اعمال صالحه سعی در قوی تر کردن ارتباط خود با معبود دارد.

تقوا در قرآن کریم

کلمه تقوا از حیث معنی سیر مشخصی را در قرآن کریم طی کرده است. معنای اولیه آن حائل قرار دادن در برابر عذاب الهی بوده است، پس از گذشتن از معنای میانی یعنی ترس مؤمنانه از خدا بسط و توسعه یافته و معنای تبعیت از اوامر و نواهی خداوند را پیدا کرده است (ایزوتسو، ۱۰۱، ۱۳۶۱).

در قرآن کریم، تقوا به این معانی بیان شده است؛ مقابله با ظالمان، کفار و فجار (مریم۲۷، نساء۱۳۱ و شمس ۸)، پرهیز و اجتناب از امری مشخص (آل عمران۲۸)، ترس(بقره۲۸۲)، نگاه داشتن و حفظ کردن (غافر ۴۵) و حفظ شدن از خطر دشمن با جامه جنگی (نحل۸۱).

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، تقوا یعنی ایمان به غیب، برپاداشتن نماز، انفاق، ایمان به انبیاء الهی و به ویژه حضرت رسول اکرم (ص) و یقین به آخرت است (بقره۲-۵) تقوا با عمل نیک همراه است و نیکی آن، این است که زهد پیشه کنیم و در هر کاری از مسیر شرعی آن نه از راه گناه و جرم وارد شویم (همان۱۸۹). با توجه به آیات قرآن کریم اگر تقوا پیشه کنیم اول اینکه خداوند یاری گر ما خواهد بود"إنَ اللهَ مَعَ الذینَ اتقوا"(نحل۱۲۸)، دوم اینکه اهل نجات خواهیم بود"ثُم نُنَجی الذینَ اتقوا"(مریم۵۲) و عاقبت از آن ماست"وَالعاقبةُ للمُتَقین"(اعراف۱۲۸)"وَالعاقِبَةُ للتَقوی"(طه۱۳۲)، سوم اینکه نوری در اختیار ما قرار می دهد که مسیر حق را بپیمائیم"وَ یَجعَل لَکُم نورا تَمشونَ به"(حدید۲۸)، چهارم اینکه راه بیرون رفت از مشکلات و راه نجات را پیدا می کنیم"وَ مَن یَتقِ الله یَجعَل لَهُ مَخرَجا"و کارها بر ما آسان می‌شود"وَ مَن یَتَقِ الله یَجعَل لَهُ مِن أمرِهِ یُسرا"(طلاق۴)، پنجم اینکه صاحب فرقان یعنی جداکننده حق از باطل می‌شویم"إن تَتَقوا الله یَجعَل لَکُم فُرقانا" (انفال۲۹) و ده ها و شاید هزاران خیر دیگر که از تقوا نصیب پرهیزکاران می‌شود (نصر و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۵-۱۰۶).

در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه ای نفسانی فراهم سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج۱۳۲، ۲). متقین و پرهیزکاران همان مؤمنان هستند و پرهیزکاری از اوصاف مخصوص طبقه معینی نیست تا مانند احسان و خشوع و خلوص جزو مقامات خاصه محسوب شود بلکه تقوا آن است که در تمام مراحل ایمان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

پس از تحقق آن حاصل می شود، دلیل آن هم این است که خداوند آن را به عنوان یک صفت خاص برای یک طبقه مخصوصی از مؤمنان بیان نکرده است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج۸۲، ۱).

در قرآن کریم کسی دارنده تقوا است که اعمال صالح خویش را سپر عذاب الهی قرار دهد، با این معنا می توان برخی آیات راجع به تقوا را تفسیر کرد از جمله آیه". . . وَاتقوهُ و أقیموا الصَلوة. . . "(روم۳۱) معنای دیگر تقوا ترس از خدا یا به تعبیر دقیق تر ترس از عذاب اوست که ممکن است شخص گناهکار در حیات دنیوی یا اخروی بدان دچار آید (طبرسی، ۱۳۶۲، ج ۲۴۰، ۳).

با توجه به آیات قرآن کریم، تقوا نگهبان انسان است و انسان نگهبان تقوا و این دور محال نیست بلکه دور جایز است. این نگهبانی متقابل از نوع نگهبانی انسان و جامه است که انسان نگهبان جامه از دزدیدن و پاره شدن است و جامه نگهبان انسان از سرما و گرما است (مطهری، ۲۰۹، ۱۳۹۴).

با توجه به آیات قرآن کریم، تقوا از اوصاف عالیه مؤمنان است که در اثر بندگی خالص و نیت پاک برای انان حاصل شده و سبب می شود تا آنها با درنظرگرفتن جلال و هیبت الهی و عاقبت سرپیچی از اوامر او از انجام اعمال ناشایست اجتناب کنند و تابع اوامر الهی باشند. تقوا در قرآن کریم وصفی است که مؤمنان با داشتن آن جزو مفلحین درگاه او و در روز آخرت از مقربین بارگاه او خواهند بود تا به هدف اصلی خلقت یعنی در جوار حضرت یاربودن نائل آیند.

آثار تقوا در پرتو آیات قرآن کریم

با توجه به آیات قرآن کریم تقوا آثاری شگرف در حیات آدمی دارد و هر یک از آن آثار به تنهایی می‌تواند سهمی بزرگ در سعادت و هدایت آدمی داشته باشد. البته آثار تقوا اختصاص به این دنیا ندارد بلکه با توجه به آیات قرآن کریم، اثرات تقوا پیشه ساختن در آخرت نیز مشهود است. آثار تقوا به سه دسته تقسیم می شود؛

الف) دسته ای از ثمرات و فواید آن که در دنیا متقیان از آن بهره مند می‌شوند.

ب) برخی از ثمرات تقوا که پرهیزکاران در آخرت از آن بهره مند می‌شوند.

ج) دسته ای از فواید تقوا که پرهیزکاران در دنیا و آخرت با هم از آن بهره می‌برند.

آثار و فواید تقوا صرفا مربوط به بعد روح و معنویت آدمی نیست بلکه مربوط به تمامی مسائل و جنبه‌های زندگی است، به این معنا که با تقوا پیشه ساختن در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و. . . می‌توان به نتایج مثبت رسید و بالاترین اثر آن رسیدن به سعادت و قرب الهی است که جز با تقوا پیشه ساختن و تصفیه روح حاصل نمی گردد.

اثرات تقوا در حیات آدمی با توجه به آیات قرآن کریم عبارتنداز؛

– **زمینه ساز نزول برکات الهی:** خداوند در قرآن کریم می فرماید:. . . و مَن یَتَقِ الله یَجعَل لَهُ مَخرَجا و یَرزقهُ مِن حَیثُ لا یَحتَسِب و مَن یَتَوکَل علی الله فَهُوَ حَسبهَ إنَ اللهَ بالِغُ أمرِه قدجَعَلَ اللهُ لِکُلِ شیء قَدرا. . . "و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

هر که از خداوند پروا کند خداوند برای او راه بیرون شدن قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند، خداوند برای او کافی است، خدا فرمان و خواسته اش را می‌رساند؛ یقینا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است (طلاق۲-۳).

اولا"مَن یَتَق الله. . . "نشان می‌دهد که اگر در هر پیشامدی، انسان تقوای خدا را عملی کند و از حدود خدایی تجاوز ننماید، بی شک راه فرجی برای او پیش خواهد آمد و این وعده غیرقابل تخلف است چرا که خداوند می‌فرماید:"إن اللهَ لایُخلِفُ المیعاد" ثانیا "وَ یَرزقهَ من حَیثُ لا یحتَسِب" بیان می‌کند که انسان متقی نباید گمان کند که از زندگی خویش محروم خواهد شد چون زمام تمام امور در دست خداست. بنده چون راه تقوا را در پیش گرفت، خداوند اسباب جهان را طوری تنظیم می‌کند که او را از راهی که گمان نمی‌کرد، روزی بدهد. ثالثا"وَمَن یَتَوَکَل عَلی الله فَهُوَ حَسبهُ" بیان می‌کند که متقی برای تقوا از بهره حاضر دست بر می‌دارد و به خدا توکل می‌کند، درا ین صورت خدا برای او کافی است، او تقوا کرده برای خدایی که همه حول و قوه‌ها از جانب اوست. همچنین"إن الله بالغِ أمره"نشان می‌دهد که خداوند افراد باتقوا را به مرادشان خواهد رساند (قرشی، ۱۳۷۰، ج۱۱، ۲۰۹-۲۱۰).

یکی از سنت های خداوند بر روی زمین رابطه ی مستقم گناه و معیشت از یک سو و استغفار و معنویت با وسعت روزی از سوی دیگر است. برخلاف حساب‌های دنیوی که آدمی به دنبال آن است تا با ترک صدقات واجب و حیله گری و هزار ترفند دیگر به جلب منفعت و دفع مضرات بپردازد، آیات قرآن کریم و احادیث معصومین(ع) به روشنی به نقش تقوا در افزایش برکات الهی و تأثیر گناه در کم شدن نعمات دنیوی اشاره می‌کنند (سادیر، ۱۵، ۱۳۹۷).

آیات قرآن کریم بیان می‌کنند که اگر مردم جامعه ای تقوای الهی را پیشه کنند و از اوامر او سرپیچی نکنند و از لغزش‌ها و گناهان دوری نمایند، خداوند برکات آسمان ها و زمین را برآنان فرو می‌فرستد. به این صورت که هرگز قحطی، خشکسالی، گرسنگی و کمبودی برای آنان نخواهد بود و همواره در پرتو رحمت خاص الهی با توجه به تقوایشان در نعمت خواهند بود:"وَ لَو أن اَهلَ القُری آمَنوا و اتَقوا لَفَتَحنا عَلَیهِم بَرکات مِن السماء و الارضِ و لکن کَذَبوا فَأخذناهم بَماکانوا یکسِبون"و اگر اهل آبادی‌ها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم اما آنها [حق را] را تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان، مجازات کردیم (اعراف۹۶).

- **بصیرت و تشخیص حق از باطل:** خداوند در سوره انفال می‌فرماید:"یا أیُها الذینَ آمَنوا إن تَتَقوا الله یَجعَل لَکُم فرقانا وَ یُکَفِر عَنکُم سَیئاتِکُم وَ یَغفِر لکُم وَ الله ذوالفضل العظیم"ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای خدا را پیشه کنید، برایتان قوه تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد و بدی‌هایتان را می پوشاند و شما را می آمرزد و خدا دارای فضلی بزرگ است (انفال۲۹).

مراد از فرقان درک و حالتی است که انسان به وسیله‌ی آن، میان عقیده باطل و عقیده حق، عمل باطل و عمل حق و تصمیم باطل و تصمیم حق فرق می‌گذارد، چون تقوا در انسان ملکه شد، هر کاری که پیش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

می‌آید، می‌خواهد آن را با دستور خدا شروع یا ترک کند، همچنین زندگی باتقوا آثار شوم گناهان را از انسان می برد، در دنیا محبوب القلوب و در آخرت روسفیدش می کند (قرشی، ۱۳۷۰، ج۱۱۸، ۴).

علامه طباطبایی در تفسیر این ایه شریفه می‌فرماید:"فرقان" به معنای چیزی است که میان دو چیز فرق می گذارد و آن در این آیه به قرینه سیاق و تفریعش بر تقوا، فرقان میان حق و باطل است چه در اعتقادات و چه در عمل. فرقان در اعتقادات جدا کردن ایمان و هدایت است از کفر و ضلالت و در عمل جداکردن اطاعت و هر عمل مورد خشنودی خداست از معصیت و هر عملی که موجب غضب او باشد وفرقان در رأی و نظر، جداکردن فکر صحیح است از فکر باطل، همه این ها نتیجه و میوه ای است که از درخت تقوا به دست می‌آید. در این آیه فرقان مقید به یکی از چند قسم تفرقه نگشته و اطلاقش همه را شامل می‌شود. پس فرقان در این آیه شامل همه انحاء خیر و شر می‌شود چون همه احتیاج به فرقان دارند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج۷۱، ۹).

قلب آدمی همچون آینه است و وجود و هستی پروردگار همچون آفتاب عالم تاب است. اگر این آینه را زنگار هوی وهوس تیره و تار کند، نوری در آن منعکس نخواهد شد اما هنگامی که در پرتو تقوا و پرهیزکاری صیقل داده شود و زنگارها از میان برود، نور خیره کننده آن آفتاب پرفروغ در آن منعکس می‌شود و همه جا را روشن می کند (طبرسی، ۱۳۸، ج۳۰۸، ۱۰).

شهید مطهری می‌گوید: قرآن می‌فرماید که تقوا داشته باشید تا عینک درونی تان سفید شود و جهان را همچنان که هست ببینید (إن تَتَقوا الله یَجعَل لَکُم فُرقانا) اگر تقوای الهی داشته باشید، اگر درون تان پاک باشد، اگر تیرگی‌ها را از درون تان زایل کنید، خداوند در دل شما مایه تمییز قرار می‌دهد؛ یعنی خداوند در دل شما چیزی قرار می دهد که با آن حقایق را خوب تمییز می‌دهید، یعنی به شما روشنی می‌دهد. پس انسان در اثر تقوا درونش روشن می‌شود و به همین جهت روشن بین می‌شود و وقتی که روشن بین شد اولا خودش را خوب می‌بیند، خوب اندازه گیری می کند، زیادتر از آنچه هست نمی بیند، کمتر از آنچه هست نمی بیند، تیرگی‌ها و عیب‌های خود را خوب می بیند و همچنین در اثر روشن بینی به حکم اینکه انسان طوری ساخته شده که جهان را با عینک وجود خودش می‌بیند، وقتی تقوا داشته باشد و عینک وجودش پاک باشد، جهان را بهتر می بیند، بهتر تشخیص می‌دهد. واقعا افرادی که باتقوا هستند اثر آنها را با یک فرد دیگری نظیر خودشان که از هر جهت مثل خودشان باشد منهای تقوا درنظر بگیریم، می بینیم قضاوت‌های او خیلی بهتر از این دیگری است. این است که می‌گوئیم به اینگونه اشخاص الهام می‌شود؛ آدم پاکی است، به او الهام می شود و این اثر تقوا در این دنیا است (مطهری، ۱۳۷۶، ج۲۲۳، ۲۶).

بنابراین اگر آدمی تقوا پیشه کند و تقوا را سرلوحه همه اعمال و افکار خود قرار دهد، خداوند نوری در وجود او قرار می‌دهد تا در همه اعمال، عمل صحیح را انجام دهد و همه افکارش نیز الهی و درست باشد و باعث گناه و لغزش او از مسیر الهی نگردد و راه حق را بپیماید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

- **ازدیاد علم و دانش:** خداوند در سوره بقره می‌فرماید:". . . وَاتقوا الله و یُعَلمَکُمُ الله و الله بِکُلِ شَیء علیم"و تقوای خدا را پیشه کنید و خدا به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست (بقره۲۸۲).

تقوای الهی را پیشه ساختن و عمل به واجبات الهی و نفس را به عبادت عادت دادن و از سوی دیگر دوری از منهیات و رعایت حلال و حرام الهی باعث می‌شود تا خداوند درهای رحمت و برکت خود را به سوی بندگان باز کند و یکی از مهمترین مصادیق آن، امر علم و آگاهی است که با توجه به آن، خداوند اسراری به بندگان تقواپیشه خود می آموزد که برای دیگران این امر میسر نیست.

هر چه نفس آدمی از گناه دوری کند و با عبادات تصفیه پیدا کند، به همان اندازه به معبود ازلی نزدیک تر شده و می تواند بیشتر از قرب او بهره ببرد و از امور مختلف آگاهی پیدا کند.

اصولا برخی از امور هستند که نمی توان آنها را دانست یا اینکه توان و ظرفیت آدمی به گونه ای نیست که تاب و توان درک آنها را داشته باشد و درک آنها منوط به افزایش توان و تعالی روح است و تعالی روح با عبادت و تقواپیشگی و سر را به آستان درگاه معبود سائیدن، میسر می‌شود. به همین دلیل پیامبران و معصومین(ع) که تقوایشان از همه بالاتر بود از تمامی امور آگاهی داشتند و مدت ها قبل از وقوع رخدادی، خبر از وقوع آن می دادند.

ـــ قبولی اعمال و رسیدن به بهشت: خداوند در مصحف شریف می‌فرماید:"قُل أذلکَ خیر أم جَنهٔ الخُلدِ التی وُعِدَ المتقون کانَت لَهُم جزاء وَ مَصیرا"بگو آیا[این آتش سوزان] بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزکاران وعده داده شده است که پاداش و بازگشت گاه آنان است (فرقان۱۵).

همچنین خداوند در سوره مائده می‌فرماید که فقط اعمال متقیان مورد پذیرش است و این شاید به خاطر نیت خالصانه آنان باشد که تمام اعمال و افکارشان خالص در جهت رضای خداوند متعال بوده است:"إنما یَتَقَبلُ اللهُ من المُتَقین "خدا فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد (مائده۲۷).

ثمره تقوا و پرهیزکاری مؤمنان در زندگی دنیوی، حلاوت و شیرینی سربلندی در نزد معبود است. بهشت خلد و تمام نعمت‌های آن وعده ای الهی است که به پرهیزکاران وعده داده شده و آنان در سرای آخرت به خاطر اعمال صالح شان و دوری شان از هلاکت گاه های گناه به آن رسیده اند و در مقابل متقیان، اهل گناه و فجور قرار دارند که در عذابی سخت به سرنوشت اعمال فجیع شان دچار می‌آیند.

خداوند در مورد وضعیت سراسر نعمت متقیان در سرای آخرت می‌فرماید:"قَل اؤنَبئکم بِخَیر مِن ذلکم للذینَ اتقوا عندَ رَبهم جناتُ تَجری مِن تَحتها الانهارُ خالدین فیها وَ أزواج مُطَهَرهٔ وَ رضوان مِنَ الله وَ اللهُ بصیر بالعباد" بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا داشته باشند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر آنها نهرهایی جاری است. برای همیشه در آنجا هستند و همسرانی پاک [خواهند داشت] و رضا و خشنودی خداوند[شامل حالشان می‌شود] و خداوند به حال بندگان بیناست (آل عمران، ۱۵).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

با توجه به آیه شریفه ملاک رسیدن به نعمت‌های آخرت، تقوا است و افراد باتقوا شیفته ی زرق و برق دنیا نمی‌شوند (قرائتی۱۳۸۳، ج۲۸، ۲).

همچنین خداوند در آیه ای دیگر از سوره آل عمران می‌فرماید:"لکن الذینَ اتقوا رَبَّهُم لَهُم جَنات تَجری مِن تَحتِها الانهارُ خالدینَ فیها نُزُلا مِن عِندِ الله و ما عِندَ اللهِ خیر للأبرار"کسانی که از پروردگارشان پروا کردند برای آنها بهشت‌هایی است که از زیر آنها نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند[این به عنوان آغاز پذیرایی] از سوی خداست و آنچه که نزد خداست برای نیکوکاران بهتر است (آل عمران، ۱۹۸).

واژه "نُزُل" به نخستین چیزی که با آن از مهمان پذیرایی می کنند اطلاق می‌شود مانند شربت و میوه. گویا خداوند در این تعبیر می‌فرماید: در برابر رفت و آمدهای تجاری کفار، شما از مدار تقوا و ایمان خارج نشوید زیرا باغ های بهشت مقدمه ی پذیرایی شما خواهد بود نه اصل آن (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۲۳۱، ۲).

پیامبر خدا(ص) در جمعی فرمودند: یک خصلت است که هر کس پایبند آن باشد، دنیا و آخرت به فرمانش در آیند و به بهشت دست یابد. عرض شد :آن چیست ای رسول خدا؟ فرمودند: تقوا (محمدی ری شهری، ۶۰۴، ۱۳۸۳).

امام علی(ع) می‌فرمایند: گناهان همچون مرکب‌های سرکش است که گناهکاران بر آن سوار می‌شوند و لجامشان گسیخته می‌گردد و آنان را در قعر دوزخ سرنگون می‌سازد اما تقوا مرکبی است آرام که صاحبانش بر آن سوار می‌شوند، زمام آنها را به دست می‌گیرند و تا قلب بهشت می‌تازند (نهج البلاغه، خطبه۱۶).

-**آمرزش گناهان:** خداوند می‌فرماید:"ذلکَ امرُ اللهِ أنزلَهُ إلیکُم وَ مَن یَتَقِ الله یکفر عَنهُ سیئاته وَ یُعظم لَهُ أجرا" این دستور خداست که به سوی شما نازل کرده است و هرکس از خدا پروا کند، گناهانش را از او محو می کند و پاداش او را بزرگ می‌دارد (طلاق۵).

"ذلک"در این آیه شریفه اشاره به احکام گذشته دارد که به نفع بندگان نازل شده است و از "مَن یتقِ الله" معلوم می‌شود که عمل به دستور خداوند مصداق تقواست و این شاید بدان علت است که انسان با عمل به دستور از ترک آن اجتناب می کند (قرشی، ۱۳۷۰، ج۲۱۴، ۱۱).

خداوند در جای دیگر می‌فرماید:"یا أیها الذینَ آمنوا إن تَتقوا الله یَجعَل لَکُم فرقانا و یُکَفر عَنکُم سَیئاتِکُم وَ یغفِر لَکُم وَ اللهُ ذو الفضل العظیم" ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوا پیشه کنید؛ خدا برای شما تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می آمرزد و خداوند دارای فضلی بزرگ است (انفال، ۲۹).

این فضل خداست که با توجه به رحمت خاصه‌ی خود برای بندگان تقواپیشه خود، می‌بخشاید و گناهانشان را محو می کند و آنان را بهره مند از لطف و جود خود می کند. در واقع با آنکه خداوند نسبت به تمام بندگان خود فضل و بخشش دارد اما از آنجا که بندگان تقواپیشه در راه او مجاهدت بسیار می کنند و بیشتر به اوامر او توجه می کنند و در حفظ نفس از هلاکت گاه ها سعی فراوان دارند، خداوند نیز آنها را بیشتر از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

لطف خود بهره مند می‌سازد و یکی از مصادیق لطف و فضل او نسبت به متقیان، آمرزش گناهان آنان است تا با گناهان کمتر نزد معبود حاضر شوند.

امام علی(ع) می‌فرمایند: بدانید بندگان خدا که تقوا قلعه ای محکم و شکست ناپذیر است اما فجور وگناه قلعه ای است سست و بی دفاع که اهلش را از آفات نجات نمی‌دهد و کسی که به آن پناهنده شود در امان نیست و بدانید که انسان تنها به وسیله تقوا از گزند گناه مصون می‌ماند (نهج البلاغه، خطبه۱۵۶).

ـــ نجات از سختی‌ها: تمام سختی‌ها و مشکلات زندگی به دلیل بی تقوایی و انحرافات است اما انسانی که با تقوا بوده و همیشه و در همه حال تقوای الهی را داشته باشد، نه تنها سختی و مشکلی ندارد بلکه در آسایش و راحتی روحی و جسمی خواهد بود. پس فرد خویشتن دار اگر تقوای الهی را پیشه خود کرد از سختی‌ها و گرفتاری‌ها نجات خواهد یافت (تویسرکانی، ۴۰، ۱۳۷۴).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ مَن یتق الله یَجعَل لَهُ مَخرَجا"و هرکس تقوا پیشه کند؛ خدا برای او راه خروجی [از سختی ها] قرار می‌دهد (طلاق۲).

تقوا آدمی را از تنگناها و بن بست های فکری رهایی می بخشد. در تفاسیر کلمه"مخرجا"به معنای خروج از هر نوع امر ناخوشایند یا هر سختی در دنیا و آخرت تفسیر شده است چنانچه در روایتی از پیامبر اکرم(ص)به خروج از شبهات و رهایی از آن تفسیر شده است(طبرسی، ۱۳۸۰، ج۸۲۵، ۴).

ابوذر غفاری از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است که فرمودند: آیه ای را می‌دانم که اگر مردم به آن چنگ زنند آنها را کفایت می کند و آن آیه این است:"کسی که تقوا پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند" (همان، ج۳۰۶، ۱۰).

شهید مطهری می‌گوید: رهایی از تنگناها و مضیقه ها نیز از آثار تقواست. مشکلات فرا روی انسان‌ها بر دوگونه است: یک دسته از مشکلاتی که آدمی در ایجاد آنها دخالتی ندارد و دیگری مشکلاتی که آدمی خود در ایجاد آن سهیم است. ریشه ی مشکلات بشر را باید در درون خود او جست که یا درست نمی بیند یا درست نمی‌خواهد یا در بصیرت ضعف دارد یا در کنترل شهوت نقص دارد و تقوا هم بصیرت افزاست و هم به آدمی قوت و قدرتی ارزانی می‌دارد که شهوات خود را کنترل کند و باز به همین علت تقوا موجب این است که آدمی چنانچه به هر علت گرفتار شد، رهایی او از گرفتاری‌ها آسان تر گردد؛ آدمی برای رهایی از گرفتاری‌ها نیز به بصیرت، کنترل شهوت و اراده نیازمند است و این نیز از مسیر تقوا حاصل می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ج۴۴۳، ۴).

تقوا پیشه ساختن موجب می‌شود که آدمی از رحمت و توجه خاص الهی برخوردار شود و هر قدر که مرتبه تقوای او بالاتر باشد، خداوند نیز رحمت خود را بیشتر معطوف فرد متقی می‌کند. در نتیجه در سختی‌ها نمی افتد و در صورت گرفتاری، خداوند او را ناصر خواهد بود و او را از آن سختی‌ها نجات خواهد داد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

- **پیروزی بر کفار:** با توجه به آیات قرآن کریم، تقوا همراه با زینت صبر می تواند مؤمان را در برابر حملات دشمنان و کفار یاریگر باشد و آنها را هر چند تعدادشان کم باشد با امدادات الهی در مقابل کفار به پیروزی برساند: "بلی إن تَصبِروا وَ تَتَقوا وَ أتوکُم مِن فَورِهِم هذا یُمدِدکم رَبُکُم بِخَمسهٔ ءالف مِن الملائکهٔ مُسَومین"آری اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید و دشمنان در همین لحظه جوشان و خروشان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان دار یاری می‌دهد (آل عمران۱۲۵).

در مورد شأن نزول این آیه شریفه شعبی می گوید:در جنگ بدر به مسلمین خبر رسید که کرز بن جابر که از دشمنان اسلام بود برای جنگ با مسلمین از مشرکان کمک خواسته است و برخی دیگر می‌گویند که کرز بن جابر به کمک مشرکین آمده بود و این امر بر مسلمانان سخت آمد سپس برای تسکین خاطر پیامبر(ص) و مسلمانان این آیات نازل شد و کرز بن جابر در این جنگ فرار کرد و به مشرکین کمک ننمود (محقق، ۱۴۵، ۱۳۶۱).

وعده حتمی خداوند است که با تقوا پیشه ساختن و پیروی از اوامر او مسلمانان می‌توانند بر کفار فائق آیند و این امر اختصاص به زمان و دوره ای خاص ندارد بلکه همواره باتقوا پیشه ساختن و درخواست فیض از خداوند می توانیم بر کفار زمان پیروز گردیم و کلمه حق را جاری سازیم و حوادث و جنگ‌های مسلمانان در صدر اسلام نمونه ای از این موارد می‌باشد.

قرشی می گوید:تقوا انسان را از راه‌های بی عدالتی دور می‌کند و اگر توأم با استقامت در راه حق باشد، پیروزی حتمی است، لذا فرموده است که اگر این دو راه را پیش بگیرید، ضرری از خصم نخواهید دید و بر آنان پیروز خواهید شد (قرشی، ۱۳۷۰، ج۱۵۰، ۲).

خداوند در سوره بقره می‌فرماید:". . . واتقوا اللهَ و اعلَموا أن اللهَ مَعَ المُتَقین"و تقوای خدا را پیشه کنید و بدانید قطعا خداوند با پرهیزکاران است (بقره۱۹۴) و این آیه شریفه و بسیاری از آیات دیگر بدین مضمون بیانگر آنند که خداوند به طور مطلق در همه زمان‌ها و مکان ها با متقیان است چه در صلح با کفار و خصم و چه در جنگ، چه در خواب و چه در بیداری، چه در دنیا و چه در آخرت و این امر اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد.

- **نجات و مقاومت در برابر وسوسه های شیطان:** خداوند در سوره ی اعراف می فرماید: "إن الذین اتقوا إذا مَسَهُم طائف من الشیطان تذکروا فَإذا هُم مُبصِرون" مسلما کسانی که تقوا ورزیده اند، هرگاه وسوسه‌هایی از سوی شیطان به آنان رسد [خدا و قیامت] را یاد می‌کنند پس بی درنگ بینا می‌شوند (اعراف۲۰۱).

در روایتی که در تفسیر عیاشی آمده است؛ منظور از"طائف منَ الشیطان" گناهانی است که انسان قصد انجام آن را دارد اما با تقوا متذکر می‌شود و آن را رها می کند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، ۴۳-۴۴).

طوسی "طائف منَ الشیطان" را غضب می‌داند که انسان باتقوا هنگام حمله‌ی این وسوسه و مکر شیطان متذکر می‌شود و کاظم الغیظ می‌شود (طوسی، ۱۳۸۹، ج۵، ۶۴-۶۵).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

در واقع از آنجا که متقیان مشمول رحمت و هدایت الهی هستند، خداوند آنها را از لغزش گاه‌ها و مسیرهای انحرافی نگه می‌دارد و یکی از مواردی که ممکن است این لغزش ها را فراهم آورد، وسوسه‌های شیطان است اما از آنجایی که پرهیزکاران مشمول هدایت الهی هستند و از سوی دیگر با رعایت اوامر الهی نفوس شان را به تعالی رسانده اند، از این وسوسه های خطرآفرین و هلاکت ساز مصون می مانند و از مسیر الهی خارج نمی شوند و تسلیم شیطان درونی و بیرونی نمی گردند.

- **تقوا سبب برتری بر دیگران:** با توجه به آیات قرآن کریم انسان ها فارغ از هر رنگ و نژاد در انسان بودن و بنده و مخلوق خداوند بودن یکسان هستند و در این میان هیچ کسی چه سیاه بر سفید، چه سفید بر سیاه، چه عرب بر عجم، چه عجم بر عرب، چه مرد بر زن، چه زن بر مرد و. . . بر دیگری برتری ندارد و تنها ملاک برتری انسان ها بر یکدیگر تقوای الهی است، اینکه اوامر او را گردن نهیم و آنچه که او از آن نهی کرده، بپرهیزیم و همواره یاد او آرامش بخش زندگی و قلب هایمان باشد و او را آگاه و علیم بر همه چیز بدانیم:"یا أیها الناسُ إنا خلقناکم مِن ذکر وَ أُنثی وَ جَعَلناکم شُعوبا وَقَبائل لِتَعارفوا إن أکرمَکُم عند الله أتقاکم إن الله علیم خبیر"ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را ملت ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. قطعا خداوند دانا و آگاه است (حجرات۱۳).

رسول خدا(ص) می‌فرمایند: ای مردم بدانید که خدای شما یکی است و پدرتان یکی، نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب، نه سیاه پوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاه پوست مگر به تقوا (متقی، ۱۴۲۳ق، ج۹۳، ۳).

در روایتی آمده است که فردی از حضرت عیسی(ع) پرسید: کدام مردمان برتر هستند؟ عیسی(ع)دوقبضه خاک برداشت و فرمود: هیچ کدام از این دو قبضه بر یکدیگر برتری و رجحان ندارد بلکه هر دو مساوی هستند، مردمان نیز چنین هستند، باکرامت ترین آنها باتقواترین آنهاست(کاشانی، ۱۳۸۸، ج۴۳۱، ۸).

این اثر تقوا در واقع پاسخی است به تمام توهمات و خیالات برخی انسان‌ها که در طول ادوار با اموری مادی مانند پول و ثروت، جاه و مقام و. . . مدعی برتی بر دیگران بوده اند در حالی که آیات قرآن کریم بیان می کند که فضیلت واقعی آن است که آدمی در نزد پروردگار خود فضیلت داشته باشد و آنچه موجب کرامت و عزیزی خاطر نزد پروردگار می شود، تقواست یعنی اینکه مطیع فرامین او بوده و در راه او قدم برداشته باشیم و از شیطان درونی و بیرونی تبعیت نکرده باشیم.

- **بهره مندی از هدایت الهی:** خداوند در سوره بقره می‌فرماید:"یا أیها الناسُ اعبدوا رَبَّکُمُ الذی خَلَقَکُم و الذینَ مِن قَبلِکُم لَعَلَکُم تَتَقون"ای مردم پروردگارتان را عبادت کنید. کسی که شما را آفرید و کسانی که پیش از شما بودند. باشد که پرهیزکار شوید (بقره۲۱).

خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید که پرهیزکاران مشمول هدایت الهی هستند و قرآن راهنمای آنان است و بر دل های کافران مهر جهل و نادانی نهاده و بر چشم آنها پرده غفلت افکنده و حس تشخیص حق را از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

باطل از آنان سلب کرده است و منافقان بیمارانی هستند که خدا بر بیماری آنها در اثر کردار بدشان افزوده و در ضمن این آیه همه مردم را به طور عموم به بندگی خداوند دعوت می‌کند یعنی آنها را دعوت به پیروی از برنامه و روش متقیان می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج۷۷، ۱).

از آنجا که متقیان تقوا را پیشه خود نهاده اند، این خود نشانگر آن است که آنان راه را یافته اند و مسیر حق را می‌پیمایند و خداوند که رحمت خاص خود را نسبت به متقیان دارد، آنان را از این سبیل دور نمی‌کند و نمی‌گذارد انحراف و تزلزلی در ثبات گام هایشان برای طی این مسیر به وجود آید بلکه آنان را یاری گر است و آنان را از امدادهای خود بهره مند می سازد تا در نهایت به سعادت ابدی برسند و هدایت شان به قرب معبود بیانجامد.

خداوند در آیه دوم سوره بقره، قرآن کریم را وسیله هدایت متقیان بیان کرده و می‌فرماید: ذلکَ الکتابُ لا ریبَ فیه هُدی للمُتَقین"این کتابی است که در آن تردیدی نیست و وسیله هدایت برای پرهیزکاران است (بقره۲).

البته قرآن کریم برای هدایت تمام جهانیان نازل شده است و علت اینکه آن را راهنمای متقین و پرهیزکاران خوانده است این می‌باشد که پرهیزکاران در برابر مطالب حق تسلیم اند و از آن پیروی می‌کنند لذا به همان نسبت به درجات هدایت آنها افزوده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج۳۹، ۱).

امام علی(ع) می‌فرمایند: شما را به پرهیزکاری توصیه می‌کنم که آن بیماری‌های قلبی شما را برطرف می‌سازد و کور دلی را به نور و روشن دلی تبدیل می‌کند و به امراض جسمانی شما شفا می‌بخشد و سینه‌ها را از فساد پاک می‌کند، شما را از درون چرکی نجات می‌دهد و به دل هایتان امنیت می‌بخشد و ظلمات و تاریکی‌ها را به نور و امید دگرگون می‌سازد (فیض الاسلام، ۶۳۵، ۱۳۶۸).

- **نجات از عذاب الهی:** خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:"وَإن منکُم إلا واردُها کان علی رَبکَ حَتما مَقضیا ثُمَ نُنَجی الذین اتقوا وَ نذرُ الظالمین فیها جِثیا"و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ شود، بر پروردگارت مسلم و حتمی است، پس آنان را که پرهیز کردند، نجات می‌دهیم و ستمکاران را که به زانو درافتاده اند در دوزخ رها می‌کنیم (مریم۷۱-۷۲).

معنای این دو آیه چنین است که هیچ یک از متقیان و ظالمان نیست مگر آنکه در پرتگاه آتش، واجبی حتمی بر پروردگارت است، آنگاه کسانی را که تقوا داشته اند نجات داده و ظالمان را در آن باقی می‌گذارند؛ به خاطر ظلمی که انجام داده اند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج۱۳۷، ۱۴).

در واقع در این باره تقوا همانند پلی است که با آن می توان از دوزخ عبور کرد و به بهشت رسید و این پل نجات بخش صرفا نتیجه اعمال متقیان در این دنیاست که با اعمال صالحه شان و با نفوس زکیه شان توانسته‌اند در راه معبود قدم بردارند و موجبات خوشنودی او را فراهم آورند و خداوند هم به سبب همین تلاش و مجاهدت شان آنان را از عذاب خود نجات می‌دهد و آنان را بهره مند از نعمات اخروی خود می‌کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

طبق آیات قرآن کریم آن هنگام که قیامت فرا می‌رسد و عذاب الهی جهان را فرا می گیرد، این تقوای الهی است که می‌تواند انسان را از آن عذاب سخت نجات دهد و سپری باشد در برابر سختی آن روز:"یا أیها الناسُ اتقوا رَبَّکُم إن زَلزَلَةَ الساعةِ شَی ء عَظیم"ای مردم از پروردگارتان پروا کنید، بی تردید زلزله قیامت واقعه ای بزرگ است (حج۱).

خطاب در این آیه شریفه که فرمود: "یا ایها الناس"شامل جمیع مردم از کافر و مؤمن و مرد و زن و حاضر و غایب و موجودین در عصر نزول و آنها که بعدا به وجود می آیند، می‌شود و حاضرین در عصر خطاب و در مجلس خطاب، وسیله پیوستگی با همه است چون همه در نوع انسانیت مشترک هستند. در این خطاب مردم را امر کرده که از پروردگارتان بپرهیزید، کافر بپرهیزد و ایمان بیاورد، مؤمن بپرهیزد از کیفر مخالفت با اوامر الهی و نواهی او، در فروع اندیشه کند و از مخالفت با اوامر او بپرهیزد (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج۵۰۴، ۱۴).

– **رسیدن به سعادت:** خداوند در سوره بقره می فرماید: "یا أیها الناس اعبدوا رَبَّکُمُ الذی خَلَقَکُم وَ الذین مِن قَبلِکُم لَعَلَکُم تَتَقون"ای مردم پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، بپرستید، باشد که تقوا پیشه کنید (بقره۲۱).

میبدی می گوید: "لَعَلَکُم تَتقون"تنبیه است که عبادت خداوند، بنده را به نهایت تقوا رساند و از نهایت تقوا، بنده به بدایت دوستی حق و پیروزی جاودانه رسد. چنانچه جای دیگر فرموده است:"وَ اتقوا اللهَ لَعَلَکُم تُفلِحون" (میبدی، ۱۳۶۱، ج۱، ۱۱۲-۱۱۳).

خداوند در سوره حدید می‌فرماید:"یا أیها الذینَ آمَنوا اتقوا اللهَ وَ آمنوا برسوله یؤتکم کفلین مِن رَحمَته وَ یَجعَل لَکُم نورا تَمشون به وَ یغفر لَکُم وَ اللهُ غفور رحیم"ای کسانی که ایمان آوردید تقوای خدا را پیشه کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا دو بهره رحمت خویش به شما بدهد و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله ی آن راه سپارید و شما را بیامرزد و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (حدید۲۸).

تقوای خدا پیشه ساختن و مطیع محض رسول او بودن، نتیجه اش رسیدن به دو بهره از رحمت و ثواب است؛ یکی برای اصل توحید و دیگری برای درجات آن و نیز نتیجه اش رسیدن به نور واقعی است که اصلا راه را گم نکنیم (قرشی، ۱۳۷۰، ج۴۴، ۱۱).

شواهد نشان داده است که نقش دین در معنویت و ایجاد روحیه برای زندگی و کسب و کار امری حیاتی است و دین اسلام از آنجا که کامل ترین و آخرین دین الهی است که با آخرین فرستاده اش، محمد مصطفی(ص) تشریع گشت؛ بر خلاف سایر ادیان معنویت و روحیه ای در فرد ایجاد می کند که نه تنها او را به آمال و اهداف دنیوی می رساند بلکه آرمان های معادگرایی او را نیز تحقق می بخشد و باعث سعادت او در هر دو جهان می شود آن چنانکه خداوند در قرآن کریم می فرماید:". . . وَ اتقوا اللهَ لَعَلَکُم تُفلِحون". . و تقوای خدا را پیشه کنید تا رستگار شوید (آل عمران۱۳۰).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مراتب تقوا

با توجه به آیه شریفه"یا أیها الذینَ آمنوا اتقوا اللهَ حَق تُقاته و لاتموتن إلا أنتم مُسلِمون" ای کسانی که ایمان آوردید تقوای خدا را پیشه کنید آنگونه که سزاوار تقوای اوست و نمی‌رید مگر اینکه مسلمان باشید (آل عمران، ۱۰۲) فهمیده می‌شود که تقوا دارای مراتبی است که نیل به هر مرتبه مستلزم تزکیه والای نفس از گناهان و زینت دادن آن با اعمال صالح است. آیت الله قرائتی می‌گوید: هر کمالی مثل ایمان، علم و. . . دارای مراتبی است و تقوا نیز اینگونه است. این کمالات از مراتب ابتدایی آغاز می شوند و به مراتب بالاتر می رسند و نهایت آن، مرتبه کمال مطلق است. در قرآن کریم می خوانیم:"رب زِدنی عِلما"خدایا دانش مرا زیاد کن. یا در دعای مکارم الاخلاق می خوانیم:"بَلِغ بایمانی أکملَ الایمان"خداوندا ایمان مرا به کمال برسان. در این آیه نیز می‌خوانیم:"اتقوا الله حَق تُقاتِه" عالی‌ترین درجه تقوا را پیشه کنید. بنابراین تقوا دارای مراتبی است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۱۲۲، ۲).

فخر رازی می‌گوید: تقوا از مرحله اولیه شرک آغاز می‌شود و تا پرهیز از کبائر و صغائر ادامه می‌یابد. لذا هنگامی که اهل عقل و ایمان مخاطب تقوا قرار می‌گیرند، تقوا از شرک منظور نیست بلکه تقوای از معاصی مدنظر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۵۶۶، ۳۰).

هر صفت و کمالی دارای مراتبی است که از ضعیف ترین مراتب آغاز می شود و با سیر صعودی خود به مرتبه کمال مطلق آن صفت می رسد. نیل به مرتبه بالاتر هر صفت پسندیده مستلزم تلاش و تصفیه نفس است تا به ترتیب با تزکیه آن، از کدورت ها و ناخالصی های نفس زدوده شود و اعتلاء یابد و تقوا نیز بدین منوال است؛یعنی تقوا دارای مراتبی است که در هر مرتبه فرد متقی باید سعی در تصفیه و تزکیه نفس خود از مواردی خاص و از سوی دیگر مزین کردن بیشتر نفس به اوصافی مشخص کند.

تقوا دارای سه مرتبه است که بدین صورت از پایین ترین مرتبه تا مرتبه عالی آن بیان می شود؛

- **تقوای عام:** پایین ترین مرتبه تقوا با توجه به آیه شریفه "واتقوا النارَ التی أُعِدَت لِلکافرین"و از آتشی که برای کافران آماده شده است بپرهیزید (آل عمران۱۲۱) تقوای عام است.

تقوای عام در واقع نگهداری نفس از انجام گناهان و ترک محرمات می‌باشد اما باید توجه داشت که در مرتبه بالاتر این نوع تقوا، انجام واجبات نیز مطرح است چرا که تقوای عام به منظور نگه داری نفس از خشم و غضب الهی است. در واقع تقوای عام همان عمل به واجبات و دوری از منهیات است.

در سوره بقره، آیه شریفه". . . فاتقوا النار التی وَقودُها الناسُ وَ الحجارةُ أُعدت لِلکافرین. . . ". . . پس از آتشی که هیزم‌های آن مردم و سنگ‌ها هستند بپرهیزید؛ [آتشی که]برای کافران آماده شده است (بقره، ۲۴) اشاره به این مرتبه از تقوا دارد که متقیان را از آتش دوزخ که در واقع برآورد اعمال ناصالح دوزخیان در دنیا می باشد، برحذر می‌دارد.

بنابراین آن نوع تقوا که انسان از گناهان کبیره و صغیره اجتناب می‌کند، تقوای عام است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

- **تقوای خاص:** آیه شریفه"فاتقوا اللهَ ما استَطعتُم وَ اسمعوا و أطیعوا وَ انفقوا خَیرا لِأنفُسِکُم وَ مَن یُوقَ شُحَ نَفسِهِ فَاولئکَ هُمُ المُفلِحون"بنابراین به اندازه توانایی که دارید از خداوند پروا کنید و بشنوید و اطاعت کنید و انفاق نمایید که برای شما بهتر است و کسانی که خود را از بخل و حرص باز دارند، آنان رستگارانند (تغابن، ۱۶) به این مرتبه از تقوا اشاره دارد.

این نوع مرتبه از تقوای الهی آن است که علاوه بر ترک محرمات، شبهات نیز ترک شود. این مرتبه بالاتر از مرتبه تقوای عام است و هر فردی به این مرتبه نمی رسد بلکه خواصی به این مرتبه ارتقاء پیدا می‌کنند. در این مرتبه نیروی تقوا باعث می‌شود که نه تنها گناهان از انسان صادر نشود بلکه از امور شبهه انگیز نیز دوری کرده و راه احتیاط را برود. منظور از مواد شبهه انگیز این است که فرد حکم واقعی برایش روشن نیست و دوران امر را بین واجب و مستحب یا حرام و مکروه می‌بیند. متقی با آنکه می‌تواند اصل برائت را جاری کند و بر اساس حکم ظاهر، عمل را در صورت اول مستحب دانسته و آن را ترک نماید و در صورت دوم عمل را مجاز دانسته و انجام دهد اما برای اینکه مبادا واقعا واجبی از او فوت شود و یا دامنش به عمل ناشایست آلوده گردد و یا احیانا با عدم احتیاط، جرئت پیدا کند و به تدریج به گناه کشیده شود، احتیاط می‌نماید و در موارد شبهه بین واجب و مستحب، عمل را انتخاب می‌کند و در موارد شبهه بین حرام و مکروه، ترک را بر می‌گزینند (فقیهی، ۱۳۶۵، ۲۲-۲۸).

تقوای خاص در واقع این است که فرد عمل نیکو را به نیک بودن آن با توجه به آیات و روایات اشراف دارد، انجام دهد و با عمل ناپسند نیز چنین معامله ای بکند. همچنین در این نوع تقوا با توجه به یکی از معانی تقوا که خضوع است، نوعی فروتنی و تواضع خاصی در متقی پیدا می شود به طوری که خود را نیست می بیند و همه اوصاف نیکو را به معبود نسبت می دهد. در واقع در این مرتبه، تقوای خاص در اصل عبارت است از نسبت دادن صفت و امر نیکو به خدای متعال. در واقع متقی در این وادی تقوا به جای اینکه این اوصاف پسندیده را به خود نسبت دهد، به پروردگار خود نسبت می‌دهد.

رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: افراد متقی را متقی نامیده اند زیرا که آنها، آنچه را از نظر حکم ظاهری اشکال ندارد انجام دهند را ترک می‌نمایند برای اینکه مبادا کم کم به موارد اشکال دار کشیده شوند (طبری، ۱۳۸۰، ج۸۳، ۱).

- **تقوای خاص الخاص:** بالاترین مرتبه تقوا که شایسته است آنگونه از خداوند تقوا پیشه ساخت و امری سخت و دشوار است با توجه به آیه شریفه"یا أیها الذینَ آمنوا اتقوا اللهَ حَقَ تُقاتهِ وَ لاتموتن إلا وَ أنتم مُسلِمون"ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند آن گونه که شایسته پروای از اوست، پروا کنید و نمی‌رید مگر در حالی که تسلیم باشید(آل عمران۱۰۲)تقوای خاص الخاص یا اخص است.

افرادی که به این مرتبه از تقوا رسیده اند؛ امور حلال را جز به اندازه ضرورت و آنچه که از عهده آنان خارج است را ترک نمی‌کنند حال چه برسد به امور شبهه ناک و به همین دلیل است که برتر از متقیان مرتبه خاص هستند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

در واقع در این نوع تقوا است که متقیان به مقام فنا راه یافته و همه اموری را که برای رسیدن به معبود لازم بوده است، انجام داده اند و از آنچه که موجب نارضایتی او بوده باشد، پرهیز کرده اند.

در این مرتبه از تقوا، پرهیزکاران علاوه بر دوری از محرمات و مکروهات، مباحات فراوانی را نیز ترک می کنند و رسیدن به این مرتبه و جایگاه از تقوا امری بسیار دشوار و لازمه ی نبرد با دیو درونی و بیرونی است تا نفس مهذب گشته و از کدورت ها خالی شود تا لایق آن شود تا انوار الهی بر آن بتابد و آن را منور کند.

در این مرتبه از تقوا دل های پرهیزکاران از هرچه مادیات و تعلقات است خالی می باشد و جز خدا و یاد او چیزی مدنظرشان نیست و در جهت رضای خاطر او تمام تلاش خود را صرف تهذیب نفس و روح کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

تقوا یکی از بهترین ویژگی‌های اخلاقی، انسانی و دینی، از منظر قرآن کریم می‌باشد که کسب آن حتی در مراتب پایین، می‌تواند موجبات سعادت آدمی را فراهم آورد. طبق آموزه‌های قرآن کریم، کسب این فضیلت اخلاقی بسیار باارزش و قابل توجه می‌باشد؛ به گونه ای که در مکتب اسلام، تقوا وسیله ای برای دستیابی به فوز و فلاح ابدی و عامل برتری آدمیان بر یکدیگر معرفی شده است. بنابراین آدمی باید تمام تلاش خود را به کارگیرد تا به کمک آموزه های قرآن کریم، به کسب این فضیلت اخلاقی، در سطحی شایسته نائل آید.

در مورد واژه تقوا از لحاظ ظاهر لفظ، نحوه اشتقاق و معنا و تعریف آن نظرات گوناگونی ارائه شده است اما بسیاری از اندیشمندان، این واژه را برگرفته از ریشه "وقی" به مصدر "وقایة" و به معنی نگهدارنده دانسته اند از این نظر می توان واژه تقوا را حفظ و صیانت نفس انسان از آنچه به او آسیب می‌رساند و موجبات ضرر او را فراهم می‌آورد دانست؛ چراکه انسان با پرهیزکاری از ارتکاب گناه می تواند به کسب ویژگی اخلاقی تقوا نایل آید و انجام اعمال گناه و ناشایست از اصلیترین عوامل آسیب بر انسان‌ها می‌باشد که خداوند انسان‌ها را از نزدیک شدن به چنین اعمالی منع کرده و در صورت دوری انسان‌ها از انجام این اعمال آنان را به کسب فضیلت اخلاقی تقوا نزدیک تر دانسته است. از همین رو اجتناب و نگه داری نفس از ارتکاب به گناه می‌تواند مقدمه ای بر کسب تقوا باشد. همچنین تقوا را از نظر درجه بر دو نوع تقوای ضعیف و تقوای قوی دانسته‌اند. در تقوای ضعیف، فرد در تمام لحظات زندگی، خودش را از مکان معصیت دور نگه می‌دارد اما در تقوای قوی، فرد در روح خود قوتی به وجود می‌آورد که به او این قدرت را می‌دهد که مصونیت روحی و اخلاقی داشته باشد، مصونیتی که اگر در مکانی قرار گرفت که علت گناه فراهم بود، آن حالت روحی او را حفظ کرده و مانع از آلودگی و گناه شود. اینکه آدمی آراسته به تقوای ضعیف باشد خود می‌تواند زمینه ای بر کسب تقوای قوی و نایل گشتن وی بر این درجه باشد؛ چراکه این خاصیت تقواست که به صورت مرحله ای و سلسله مراتبی کسب گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

طبق آیات قرآن کریم، خداوند تقوا را به عنوان یک صفت خاص برای یک طبقه مخصوصی از مؤمنان بیان نکرده است و متقین از طبقه ای خاص و جداگانه نیستند بلکه تقوا آن است که در تمام مراحل ایمان پس از تحقق آن حاصل می‌شود و شخصی را می‌توان آراسته به این فضیلت اخلاقی دانست که اعمال صالح خود را سپر عذاب الهی قرار می دهد. با توجه به آیات قرآن شریف، تقوا، حداقل ۱۲ اثر را می تواند بر مومنان و پرهیزکاران بر جای گذارد که این اثرات نه تنها در زندگی فردی و دنیوی بلکه در زندگی اجتماعی و اخروی نیز منجر به دستیابی به نتایج مثبت شده و آدمیان را در رسیدن به سعادت ابدی یاری می‌دهند. از جمله این آثار می‌توان به نجات از سختی ها و زمینه سازی برای نزول برکات الهی اشاره کرد، خداوند در قرآن کریم می فرماید: "مَن یَتَقِ اللهَ یَجعَل لَهُ مَخرَجا و یَرزقهُ مِن حَیثُ لا یَحتَسِب" این بخش از آیه ۲ سوره طلاق، اشاره مستقیم به تقوا دارد و طبق آن، خداوند خروج از سختی‌ها و انزال برکات را به بندگان خود وعده داده است، در واقع آیات قرآن کریم بیان می کنند که اگر مردم جامعه ای تقوای الهی را پیشه کنند و از اوامر او سرپیچی نکنند و از لغزش‌ها و گناهان دوری نمایند، خداوند برکات آسمان ها و زمین را برآنان فرو می فرستد و اگر در سختی و مشکلی بیافتند، خداوند آنان را در حل مشکل، یاری داده و بدون تحمل ضرری فورا آنان را از مشقات خارج می گرداند. علاوه بر این موارد، خداوند متعال وعده نجات و مقاومت در برابر وسوسه های شیطان و بهره مندی از هدایت الهی جهت گزینش راه راست را نیز به تقوا پیشه کنندگان داده است که این موضوع خود منجر به نجات از عذاب الهی که از دیگر ثمرات تقوا است، می شود؛ چراکه آدمی که از وسوسه‌های شیطان دور شده و هدایت الهی را در اثر تقوا پیشگی که خود دوری از گناهان است، دریافت می کند، بی‌تردید توانایی تشخیص حق از باطل را که از ارزشمندترین ویژگی های هر مومنی می باشد، به دست می‌آورد که این موارد از جمله اموری می باشند که منجر به قبولی اعمال بنده مسلمان نزد پروردگار متعال شده و زمینه رسیدن او را به بهشت فراهم می‌آورند. علاوه بر موارد ذکر شده از آثار تقوا، می‌توان به پیروزی بر کفار در اثر افزایش بصیرت و ازدیاد علم و دانش اشاره کرد که تمامی این آثار ارزشمند تقوا منجر به برتری متقین بر سایرین گشته و زمینه سعادت و قرب الی الله آنان را فراهم می آورند که این مورد هدف غایی و نهایی هر بنده مومنی می‌باشد و با رسیدن به این مقلم است که دل او شاد و خشنود می‌گردد. بنابراین هر مسلمان با ایمانی می‌تواند با پیشه ساختن تقوا به هدف غایی زندگی خود دست یابد و خود را از گناهان برهاند. بنابراین آثار تقوا نوعی ارتباط و در هم تنیدگی خاصی بایکدیگر دارند که این موضوع را می توان از برکات تقوا پیشگی و پرهیزکاری از گناهان دانست.

همچنین تقوا دارای مراتب گوناگون می باشد که نیل به هر مرتبه مستلزم تزکیه والای نفس از گناهان و زینت دادن آن با اعمال صالح است و بالاترین مرتبه کمال که می توان آن را کمال تقوا دانست، تقوای خاص الخاص می باشد که در این مرحله فرد متقی، به مقام فنا راه یافته و همه اموری را که برای رسیدن به معبود لازم بوده است، انجام داده و از آنچه که موجب نارضایتی او بوده باشد، پرهیز کرده است. در این مرحله، فرد متقی دائم به دنبال رضای الهی بوده و از مادیات و تعلقات دنیوی چشم بسته است. مرتبه دیگر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

که در سطحی پایین تر از تقوای خاص الخاص قرار دارد، تقوای خاص می‌باشد که در این مرحله، متقی در تلاش است که اعمال نیکو انجام دهد و خود را نیست می‌بیند و پروردگار متعال را دارای صفات و ویژگی‌های برتر می‌داند. در واقع می توان بیان داشت متقی در این مرحله در حال آماده سازی خود برای ورود به مرتبه تقوای خاص الخاص می باشد که نیازمند تهذیب نفس و تلاش بیستر است. تقوای عام نیز مرتبه آغازین تقوا می باشد که بسیاری از مردم در این مرتبه قرار داشته و از انجام گناه صغیره و کبیره اجتناب می کنند. در نهایت باید بیان داشت که هر فردی می‌تواند با پرهیزکاری از گناه و تهذیب نفس به مراتب گوناگون تقوا دست یافته و آثار آن را در زندگی دنیوی و اخروی خود دریافت کند و به سعادت و قرب الی الله که غایت جهان می‌باشد دست یابد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

فهرست منابع و مآخذ

[۱] قرآن کریم

[۲] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۹)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولی

[۳] ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول

[۴] ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول

[۵] انجوی نژاد، مهدی(۱۳۷۱)، واژه تقوی، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره سی و یکم و سی و دوم

[۶] توشی فیکو، ایزوتسو [۱۳۶]، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، سهامی انتشار، چاپ اول

[۷] تویسرکانی، حسین (۱۳۷۴)، سفارش اهل بیت(ع) یا نمونه ای از تقوا در قرآن و سنت، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول

[۸] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول

[۹] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی الالفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، چاپ اول

[۱۰] رضایی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تقوا، تهران، سروش هدایت، چاپ اول

[۱۱] زبیدی، محمد بن محمد و فیروزآبادی، محمد بن بعقوب(۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول

[۱۲] سادیر، عبدالقیوم (۱۳۹۷)، آثار و توصیف تقوا از منظر آیات و روایات، دوفصلنامه دانش پژوهی تأمل، سال سوم، شماره چهارم

[۱۳] طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی(چاپ گلشن)، چاپ سوم

[۱۴] طبرسی، فخرالدین بن محمد طریحی (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، تهران، چاپ احمد حسینی، چاپ اول

[۱۵] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول

[۱۶] طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، التبیان فی التفسیر القرآن، قم، آل بیت(ع)، چاپ اول

[۱۷] _____، محمد بن حسن (۱۳۶۱)، اوصاف الاشراف، به تصحیح مایل هروی، مشهد، انتشارات امام، چاپ اول

[۱۸] عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر العیاشی، تحقیق هاشم رسولی، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة، چاپ اول

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

[۱۹] فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر(مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم
[۲۰] فقیهی، علی نقی (۱۳۶۵)، تقوا و آثار تربیتی آن، ماهنامه تربیت، شماره دوازدهم
[۲۱] فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۸)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فقیه، چاپ اول
[۲۲] قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم
[۲۳] قرشی، علی اکبر (۱۳۷۰)، تفسیر احسن الحدیث، ویرایش و بازنگری محمدحسن بکانی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول
[۲۴] کاشانی، فتح الله (۱۳۸۸)، تفسیر کبیر منهاج الصادقین، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ اول
[۲۵] کمالدین، محمد (۱۴۱۳ق)، شرح شافیه ابن حاجب، تهران، احسان، چاپ اول
[۲۶] متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۳ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ اول
[۲۷] مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، الوفاء، چاپ دوم
[۲۸] محقق، محمدباقر (۱۳۶۱)، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم
[۲۹] محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳)، منتخب میزان الحکمة، تلخیص سید حمید حسینی، قم، دار الحدیث، چاپ دوم
[۳۰] مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دائره المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، چاپ اول
[۳۱] مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، ده گفتار، تهران، صدرا، چاپ شانزدهم
[۳۲] _____، مرتضی (۱۳۹۴)، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، چاپ پنجاه و هشتم
[۳۳] _____، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار، قم، صدرا، چاپ هفتم
[۳۴] معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم
[۳۵] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم
[۳۶] میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۶۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم
[۳۷] نصر، احمدرضا و دیگران (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین تربیتی تقوا در سبک زندگی، مهندسی فرهنگی، سال نهم، شماره هشتاد و یکم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]